

متن پرسش

سلام خدمت استاد گرانقدر: تسلیت به مناسبت شهادت عبد صالح و امام هدایت امام موسی کاظم و همچنین تهنیت ایام ماه مبارک رجب و بعثت رسول گرامی اسلام. استاد سوالم درباره شیوه و نحوه هدایت و تربیت رسول گرامی اسلام است با توجه به احادیث، این هدایت به چه صورت بوده؟ به صورت الهام بوده؟ گفتگو بوده؟ ... و یا چه صورتی؟ امام علی(ع) درباره تربیت ویژه نبی گرامی اسلام از دوران کودکی می فرماید: «لقد قرن الله به صلى الله عليه وآله من لدن ان كان عظيماً اعظم ملك من ملائکته يسلك به طريق المكارم و محاسن اخلاق العالم ليله و نهاره» از همان زمان که رسول خدا (ص) را از شیر گرفتند، خداوند بزرگ ترین فرشته از فرشتگان خویش را مأمور ساخت تا شب و روز وی را به راههای بزرگواری و درستی و اخلاق نیکو سوق دهد. از سخنان امام صادق (ع): «خلق والله اعظم من جبرئیل و میکائیل و قد کان مع رسول الله یخبره و یسده و هو مع الأئمة یخبرهم و یسدهم» به خدا سوگند، مخلوقی است بزرگ تر از جبرئیل و میکائیل و او همواره با رسول خدا (ص) بود و او را آگاه ساخت و راهنمایی می نمود. او با امامان هست و آنها را آگاه می سازد و راهنمایی می نماید. از امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) نقل شده که فرمود: «سمعت رسول الله یقول: ما هممت بشيء مما کان اهل الجاهلیة یعملون به غیر مرتین کل ذلك یحول الله بینی و بین ما ارید من ذلك» از رسول خدا (ص) شنیدم که فرمود: هیچ گاه نخواستم کارهای رایج در زمان جاهلیت را انجام دهم مگر دو بار که در هر بار خداوند میان من و آنچه می خواستم حائلی قرار داد.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: عرایضی در مقدمه کتاب «مبانی نظری نبوت و امامت» شده است که در دل آن بحث به نکته‌ای که جنابعالی مدّ نظر دارید تا حدّی جواب می‌دهد. ذیلاً آن مقدمه خدمتتان ارسال می‌شود: موفق باشید

تفاوت ولایت و امامت و نبوت

۱. ولایت: ولایت به معنی نزدیکی است و وقتی گفته می‌شود انسانی به مقام ولایت رسیده به این معنی است که توانسته در مقام قرب الهی قرار گیرد. این مقام با توجه به این که مقام اصلی انسان حقیقت مجردی است که از ملائکه هم بالاتر است، با زدودن جنبه‌های بشری و بدنی برای هرکس

حاصل می‌شود. لذا فرموده‌اند راه ولایت در هیچ زمانی بسته نیست حتی زمانی که نبوت به انتها می‌رسد و دیگر برای بشر پیامبری فرستاده نمی‌شود. قرآن در راستای دعوت انسان‌ها به مقام قرب و ولایت می‌فرماید: «فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» [۱] هر کس می‌خواهد به لقاء پروردگارش نائل آید باید به اعمال صالح مبادرت ورزد و در آن راستا به احدی جز خدا نظر نداشته باشد. از آنجایی که تا ولی خدا به مقام ولایت یا قرب نرسد شایسته‌ی شنیدن سخن خدا جهت ابلاغ به مردم نمی‌شود گفته می‌شود ولایت، باطن نبوت است.

۲. نبوت: نبوت بر عکس ولایت، يك مأموریت الهی است و خداوند با برانگیزاندن و مبعوث نمودن آن کسی که به مقام قرب الهی رسیده شریعت خود را به بشریت می‌رساند. با توجه به این که پیامبر خدا (ص) باید آمادگی خاصی پیدا کند تا بتواند شریعت الهی را تماماً بگیرد و به مردم برساند، نبوت همراه است با تحویلی عظیم که در روح و جان پیامبر خدا (ص) رخ می‌دهد تا برای انجام مأموریت خود توانایی و آمادگی کامل و نهایی را به دست آورد.

عنایت داشته باشید که کمک‌ها و مدد‌هایی که به پیامبر می‌شود تا در مأموریتش موفق شود، رحمتی است به مردم زیرا مردم از طریق همین کمک‌ها است که متوجه حقانیت نبی می‌شوند و از هدایت الهی بهره‌مند می‌گردند. در همین راستا مدد‌هایی را که به رسول خدا (ص) می‌شود می‌توان به مدد‌های قبل از بعثت و مدد‌های بعد از بعثت تقسیم کرد.

الف- مدد‌های قبل از بعثت: مدد‌های قبل از بعثت موجب می‌شود تا اولاً: با حفظ رسول خدا - از هرگونه لغزشی که عرف جامعه از پیامبر خدا انتظار ندارند - در قبل از بعثت، کارنامه‌ی نبی جهت انجام مأموریتش از هرگونه ضعفی پاک باشد و در مأموریتی که بناست به عهده‌ی آن حضرت گذاشته شود به بهترین نحو موفق شود. و چون خدا می‌داند این شخص با پای خود و با انتخاب خود - در عین این که مسیر ولایت را طی می‌کند - شایسته‌ی ابلاغ دین می‌گردد، مواظبت‌هایی را قبل از بعثت نسبت به او اعمال می‌کند تا در تحقق نبوتش به کارش آید و موانع راه از قبل برطرف شده باشد. ثانیاً: از طریق آن مدد‌ها که قبل از بعثت به پیامبر خدا می‌شود، نفس آن حضرت ظرفیت پذیرش حقایق عظیم موجود در وحی را پیدا می‌کند تا وحی را کامل بگیرد و کامل برساند. در همین رابطه حضرت علی (ع) می‌فرماید: «...و لَقَدْ قَرَنَ اللَّهُ بِهِ (ص) مِنْ لَدُنْ أَنْ كَانَ فَطِيماً أَعْظَمَ مَلَكٍ مِنْ مَلَائِكَتِهِ يَسْلُكُ بِهِ طَرِيقَ الْمَكَارِمِ وَ مَحَاسِنِ اخْلَاقِ الْعَالَمِ، لَيْلَهُ وَ نَهَارَهُ» [۲] از همان لحظه‌ای که پیامبر (ص) را از شیر گرفتند، خداوند بزرگ‌ترین فرشته‌ی خود را مأمور تربیت آن حضرت کرد تا شب و روز، او را به راه‌های بزرگواری و راستی و اخلاق نیکو راهنمایی کند.

پس نتیجه می‌گیریم خداوند با علم به شایستگی‌های پیامبر (ص) از ابتدا پیامبر خود را پرورانده تا مستعد دریافت بزرگترین پیام برای بندگانش بشود و از طریق نفس مقدس آن حضرت ما بتوانیم به

دین خدا دست یابیم.

ب- مددهای بعد از نبوت: مددهای بعد از نبوت عبارت است از کمک‌های خاصی که به پیامبر می‌شود جهت حفظ او و موفقیت او تا مردم از پیامبری پیامبر محروم نشوند. اگر این مددها نبود هدایت بشر مختل یا منقطع می‌گشت و در همین راستا خداوند جان پیامبر (ص) را از خطرات حفظ می‌کند و یا توطئه‌ها را خنثی و یا شایعات را به آن حضرت خبر می‌دهد ولی در همهی این احوالات وظیفه‌ای را که به عهده‌ی مسلمانان و یا شخص پیامبر است به خود آن‌ها واگذار می‌کند.

بر اساس همان مبنایی که خداوند برای انسان‌ها پیامبر می‌فرستد، جهت تبیین و ادامه‌ی دین، امامان را مأمور می‌کند، در این حالت هم فقط کسی را که به مقام قرب الهی رسیده است برای امامت تجهیز می‌نماید. با توجه به نکاتی که عرض شد لازم است به موارد ذیل عنایت فرمایید:

۱. در ابتدا هر «نبی»، «ولی» می‌باشد که با استعدادهای ذاتی خود، همهی جنبه‌های بشری را که مانع دریافت اصل روحانی خود و مانع قرب به حق می‌شود زدوده است.

۲. سرمایه‌ی ولایت جهت قرب الهی «فطرت» است و انسان‌ها وقتی با فطرت خود هماهنگ شوند به مقام قرب الهی دست می‌یابند و این سرمایه در اختیار همه هست و شریعت الهی متذکر فطرت انسان‌ها است تا با آن هماهنگ شوند، پس راه ولایت و قرب الهی برای همه باز است.

۳. زمانی که مصلحت خدا اقتضاء کرد تا پیامبری برای بشریت فرستاده شود کسی را که به مرتبه‌ی قرب کامل رسیده است جهت ابلاغ شریعت به نبوت مبعوث می‌کند و برمی‌انگیزاند.

۴. پس نبوت یک مأموریت الهی است و همچنان که عرض شد مبعوث نمودن آن «ولی» به نبوت همراه است با تحوّل عظیم که در روح او رخ می‌دهد، تا برای انجام مأموریت خود توانایی و آمادگی کامل و نهایی را دارا باشد.

۵. کمک‌هایی که به پیامبر می‌شود تا در مأموریتش موفق شود کمک‌های خاصی است که از طرف خداوند به پیامبر داده می‌شود و به همین جهت گفته می‌شود آن کمک‌ها «موهبتی» است و نه «اکتسابی». ولی این کمک‌های موهبتی، رحمتی است به مردم از طریق نبی تا مردم به شریعت الهی آگاه شوند و مردم از طریق همین کمک‌های موهبتی است که متوجه صدق نبوت نبی می‌شوند و از او هدایت می‌گیرند.

۶. مددهای موهبتی به نبی دو قسم است. قسم اول مددهایی است که قبل از بعثت به نبی می‌شود تا کارنامه‌ی نبی جهت انجام مأموریتش از هرگونه ضعفی پاک باشد و آن مددها موجب می‌شود تا پیامبر خدا اولاً: در خاطر مردم و بر اساس عرف زمانه از هرگونه ضعفی مصون باشد و همان

ضعف‌هایی که برای بقیه‌ی کودکان و جوانان طبیعی است، مثل نیمه‌عریان بودن کودکان و یا با پای برهنه در کوچه‌ها دویدن، در او دیده نشود. ثانیاً: از طریق آن مددها نفس پیامبر ظرفیت پذیرش حقایق عظیم موجود در وَحی را پیدا کند و وَحی را کامل بگیرد. قسم دوم، مددهایی است که بعد از نبوت به پیامبر می‌شود که اگر این مددها نبود به مقام قرب و ولایت پیامبر ضربه‌ای نمی‌زد ولی نبوت او را که وسیله‌ی هدایت بشر بود مختل یا منقطع می‌نمود، به طوری که اگر خداوند جان پیامبر را از خطرات حفظ نمی‌کرد و یا توطئه‌ها را خنثی نمی‌نمود و یا شایعات و نقشه‌های دشمن را به او خبر نمی‌داد، زمینه‌ی ابلاغ وَحی الهی به طور کامل فراهم نمی‌شد و این ضرری بود که به بشریت می‌رسید.

از این نکته غفلت نفرمایید که در هر صورت هرکس به اندازه‌ای که طالب حق است از نبوت بهره می‌گیرد و خود پیامبر هم به عنوان یک انسان حق طلب از نبوت خود استفاده می‌کند ولی چون او بهترین انسان است، بیشترین استفاده را از وَحی می‌برد و خداوند در همین رابطه می‌فرماید: «أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ» [۳] رسول (ص) و مؤمنین هر کدام به آنچه بر پیامبر نازل شده ایمان آورده‌اند و از آن بهره می‌گیرند.

با توجه به این‌که معلوم شد هر انسانی به جهت نفس ناطقه‌ی مجردی که دارد، استعداد حضور در عالم غیب در او هست و می‌تواند به مقام ولایت و قرب برسد، پس نبوت برای انسان چیز غیر ممکن نیست و خداوند به عنوان «رب» همه‌ی انسان‌ها حتماً راهی جهت تربیت و تعالی آن‌ها می‌گشاید و ارسال رسولان در همین رابطه است که در مباحث آینده به این امر می‌پردازیم.

[۱] - سوره‌ی کهف، آیه‌ی ۱۱۰.

[۲] - نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۹۳. (خطبه قاصعه-۲۳۴).

[۳] - سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۸۵.